

Investigating the Vulnerability of Iranian Families based on Social and Demographic Variables

Ahdieh Asadpour * 

Assistant Professor, of Social Science Education,
Farhangian University, Tehran. Iran.

Mehri Sadat Mousavi 

Assistant Professor and Head of Allameh
Tabataba'i Branch of ACECR, Tehran. Iran.

1. Introduction

Recent social and economic changes and developments in the society have caused more families to be placed in a vulnerable position. This indicates the need for attention and investigation. For this reason, in the present study, we seek to examine the vulnerability of Iranian families in terms of the method of raising children, the number of children, and the attitude towards divorce.

2. Literature Review

Referring to the research background in the field of family vulnerability shows that variables such as the configuration or size and composition of the family or in other words having many children (Radcliff and etc., 2012) and old age and aging (for example see: Tanida, 1996) are effective on the vulnerability of families. Also, in domestic studies, it has been emphasized that women are more vulnerable than men, especially when women have the role of head of the household (Moaidfar and Hamidi, 2016; Setare Forozan and Biglerian, 2012 and Afrasiabi and Jahangiri, 2015). Also, marital status can affect gender differences in vulnerability in general and psychological vulnerability in particular (Kessler and Essex, 1985; Pearlin and Johnson, 1997).

* Corresponding Author: ahdiehasadpour@cfu.ac.ir

How to Cite: Asadpour, A; Mousavi, M. (2023). Investigating the vulnerability of Iranian families based on Social and demographic variables, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 15(59), 397-427.

3. Methodology

The current research has used the method of data analysis with the model of secondary data analysis. The basis of information gathering is the "Information and Data of the National Survey of the Iranian Family" in 2018, which was conducted by Jihad University. In this way, the statistical population of the research is made up of all the mentioned data, which was used as a whole amount of data. SPSS software was used for data analysis.

4. Results

The findings of the research showed that the psychological, economic and socio-cultural vulnerability of people in terms of education has a significant difference from each other and the level of correlation is also weak.

Also, the significance of the difference test and Kramer's correlation coefficient of total vulnerability index and its dimensions with gender showed that their correlation level is moderately low. Also, the economic and psychological vulnerability of people in terms of the way of raising children had a significant difference and the level of this correlation was on the average level. But there was no such relationship between total vulnerability index and socio-cultural vulnerability.

Finally, the analyzed statistics about the number of children and the dependent variable also showed that among all the dimensions of the vulnerability index, only the dimension of economic vulnerability showed a significant correlation, which was very weak.

5. Discussion

According to the findings of the present research, it can be acknowledged that Iranian families are not in a good situation in terms of vulnerability. In such a way that the research data shows this fact in the heart of the Iranian society in general and its families in particular, that the level of vulnerability in the family system is on average high. In the meantime, cultural and social requirements and conditions affect the vulnerability of some social strata, and the aforementioned strata are more likely to experience vulnerability in the three dimensions under investigation.

6. Conclusion

Considering the results of the research, it is necessary to pay attention to improving the economic situation and livelihood of families by reducing the level of unemployment and having secure and stable jobs in order to reduce the financial pressures on them; 2. Increasing appropriate mechanisms to continue education and

prevent future generations from dropping out in order to raise the level of literacy and awareness; 3. Changing the views and attitudes of the members of the society towards divorce and removing its social stigma in difficult life conditions on the one hand, as well as the positive attitude of some members of the society towards the lack of stability and strength of the family on the other hand, and 4. The increase of low-cost counseling centers for women in the community to receive free or low-cost counseling to reduce psychological harm should be considered.

Acknowledgments

We thank all the researchers who collected the data of the National Family Survey. They are the ones who made it possible for us to perform secondary analysis.

Keywords: Vulnerability of Families, Number of Children, Child Education Method, Secondary Analysis.



بررسی آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی

استادیار آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.



عهدیه اسدپور

استادیار و رئیس جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، تهران، ایران.



مهری سادات موسوی *

چکیده

مطالعه حاضر درصدد است تا سطح آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی را در ابعاد مختلف روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. جهت دستیابی به هدف مزبور از استراتژی تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده بهره گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی تنها متغیر وضعیت تأهل با سطح آسیب‌پذیری همبستگی معنادار نداشته و سایر متغیرهای تحقیق (سن، سطح تحصیلات و جنسیت) با متغیر وابسته تحقیق رابطه معنادار داشته‌اند. به طوری که از نظر سطح آسیب‌پذیری (کل و ابعاد سه‌گانه) پاسخگویان، بیش‌ترین درصد در بین کسانی با سطح تحصیلات دیپلم، گروه سنی ۴۹-۳۰ ساله و زنان (در بعد روان‌شناختی) تعلق داشت. از نظر شیوه تربیت فرزندان نیز شیوه تربیتی میانه مستبدانه و غیر مستبدانه بیش‌ترین سطح آسیب‌پذیری اقتصادی و روان‌شناختی و شیوه کاملاً مستبدانه کمترین سطح را به خود اختصاص داده بود. بیش‌ترین سطح آسیب‌پذیری اقتصادی مربوط به خانواده‌های دارای ۵ فرزند و بیشتر و کمترین سطح نیز به خانواده‌های صاحب دو فرزند و کمتر تعلق داشت. کمترین سطح آسیب‌پذیری کل و ابعاد آن به کسانی با نگرش کاملاً منفی به طلاق اختصاص داشت.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری خانواده‌ها، تعداد فرزندان، شیوه تربیت فرزندان، تحلیل ثانویه.

مقدمه و بیان مسئله

آسیب‌پذیری یک مفهوم چندبعدی و چندوجهی است که می‌تواند در سطوح مختلف کلان (سطح جامعه)، میانی (سطح خانوادگی) و خرد (سطح فردی) رخ دهد. در این مطالعه در تلاش هستیم تا این مفهوم را در سطح میانی مورد مطالعه قرار دهیم. یعنی آسیب‌پذیری خانواده. معمولاً در ادبیات نظری و مفهومی به ویژه از منظر نظریات کارکردگرایانه، خانواده «آسیب‌پذیر» در مقابل خانواده «عادی» تعریف و تفسیر می‌شود. بدین معنا که خانواده‌های آسیب‌پذیر در شرایط و مقتضیاتی قرار می‌گیرند یا قرار دارند که متفاوت و حتی متضاد با شرایط خانواده‌های عادی است و همین امر ممکن است به آسیب‌پذیری مضاعف آنان نیز منجر شود (فاطمی و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۲۱).

زمانی که از مقتضیات سخن می‌رانیم، به شکل تلویحی و ضمنی بر این نکته تأکید داریم که خانواده‌ها به شکل کاملاً خودخواسته و ارادی در شرایط مورد تعریف قرار نگرفته‌اند بلکه از نظر خود آنان نیز وضعیت نامبرده، وضعیت مطلوب و خواستنی تلقی نمی‌شود. علاوه بر این، وجود خانواده‌های آسیب‌پذیر برای یک جامعه خواستار توسعه و پیشرفت نیز مطلوبیتی در بر ندارد. چرا که گام‌های نخستین توسعه در سطح خانواده برداشته می‌شود و اساسی‌ترین راه دستیابی به توسعه وجود و حضور خانواده‌های غیرآسیبی یا کمتر آسیب‌پذیر است. به نحوی که می‌توان این ادعا را مطرح ساخت که، در گرو حضور خانواده‌های سالم و رشد یافته است.

حال که حضور خانواده‌های غیرآسیبی یا کمتر آسیب‌پذیر می‌تواند راه دستیابی به توسعه همه‌جانبه و درعین حال پایدار یک جامعه را هموار سازد، ضروری است که معنا و مفهوم آسیب‌پذیری تشریح و ادراک شود. آسیب‌پذیری^۱ به معنای «ظرفیت مجروح شدن» یا «بی‌دفاع بودن» (Patterson, 2013) می‌باشد. آسیب‌پذیری بر اساس رویکرد «ساخت اجتماعی»^۲ - در مقابل رویکرد «زیستی- فیزیکی»^۱ (Stonich, 2000: 145) - بدین

1. Vulnerability
2. Social construction of vulnerability

معناست که برخی از اعضای جامعه در برابر عوامل آسیب‌زا، آسیب‌پذیرتر هستند که این امر وابسته به شرایط و وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنان است. لذا، جمعیت‌های مختلفی که تحت شرایط متفاوت اجتماعی، اقتصادی و نهادی زندگی می‌کنند از سطوح متفاوتی از آسیب‌پذیری برخوردارند (Smith, 2000: 159).

در این دیدگاه و چارچوب‌های مفهومی منبث از آن، علل ریشه‌ای و شرایط اجتماعی - اقتصادی منجر به آسیب‌پذیری به عنوان نقطه آغاز تحلیل در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت آسیب‌پذیری واحد خانوادگی به معنای آن است که آن خانواده مستعد ابتلا به مشکلات و آسیب‌های روانی، اجتماعی، جسمی و بهداشتی و مواجهه با خطر از دست دادن یا بی‌توجهی است. در واقع بی‌نظمی‌ها، نابسامانی‌ها، مشکلات و اختلاف‌های موجود در این خانواده‌ها در جنبه‌های مختلف کاملاً مشهود است. گفته فوق نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری می‌تواند دربردارنده ابعاد چندگانه و گونه‌گونی همچون آسیب‌پذیری اقتصادی (Sajjad and Jain, 2014; Reyes, 2016)، آسیب‌پذیری اجتماعی (Zimmerman, 2017; Riederer and etc. 2017; Wallace and etc. 2015) [از جمله انگ^۱، تبعیض^۳ و عدم حمایت اجتماعی]، آسیب‌پذیری روان‌شناختی [من جمله احساس شدید استرس، اضطراب یا افسردگی]، آسیب‌پذیری جسمی [نظیر معلولیت‌های جسمی و مشکلات مربوط به سلامتی] (Riederer and etc. 2017)، آسیب‌پذیری اکولوژیکی^۴ (Li and etc. 2018) باشد که در این مطالعه سه بعد روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

با توجه به توضیحات فوق باید گفت، تغییرات و تحولات اجتماعی و اقتصادی و در برخی از موارد، منحصربه‌فرد چند سال اخیر در سطح جامعه ایرانی - که وقوع برخی از آنها تاکنون اگر نگوییم بی‌سابقه ولی کم‌سابقه بوده است - موجبات قرارگیری و جاگیری

-
1. Biophysical vulnerability
 2. stigmatisation
 3. discrimination
 4. ecological vulnerability

بررسی آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرها...، اسدپور و موسوی | ۴۰۳

خانواده‌های بیشتری را در موقعیت آسیب‌پذیری فراهم نموده است (فرهادیان، ۱۴۰۱: ۲۵۸). امری که ضرورت توجه و بررسی آن را گوشزد می‌کند. به همین سبب در مطالعه حاضر در پی آن هستیم که آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی را بر حسب شیوه تربیت فرزندان، تعداد فرزندان و نگرش به طلاق مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم.

امری که می‌تواند به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزه آسیب‌پذیری خانواده‌ها یاری رساند تا بتوانند حمایت‌ها و مساعدت‌های خود را جهت‌مندتر و کارآمدتر ارائه دهند. چرا که حمایت‌های ارائه‌شده تاکنون نتوانسته است کارآمدی و کارسازی خود را به اثبات برساند. هرچند که فرآیندهای شکست‌خورده در حمایت و مساعدت از خانواده‌های آسیب‌پذیر نه تنها در جامعه ایرانی که در سطح جهانی نیز سابقه‌ای طولانی دارد و عدم موفقیت در مداخلات اغلب به عدم تمایل خانواده‌ها برای دریافت حمایت منجر می‌شود (Bowkamp and Bowkamp, 2014).

ملاحظات نظری

با نگاهی به ادبیات نظری حوزه جامعه‌شناسی خانواده درمیابیم که متفکران بسیاری از منظرهای و دریچه‌های متفاوت و گاه متضاد در حوزه مزبور نظریه‌ورزی نموده‌اند. اما با توجه به موضوع موردبررسی در این مطالعه که همان آسیب‌پذیری خانواده‌هاست، به نظر می‌رسد که نظریات کارکردگرایانه جهت تبیین مسئله موردبررسی مفید و مناسب خواهد بود. به همین سبب نگاه کارکردگرایانه نسبت به خانواده و آسیب‌پذیری را تشریح خواهیم کرد.

از منظر کارکردگرایان، نظام خانواده^۱ در کنار نهادهای دیگر جامعه، وظایف اساسی و مهمی بر آن محول شده است. آنان جامعه را همچون مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی می‌بیند که کارکردهای معینی برای تضمین تداوم و وفاق جامعه دارند. طبق این دیدگاه، خانواده وظایف مهمی را به انجام می‌رساند که جزو نیازهای اساسی جامعه هستند و به بقای

1. family system

نظم اجتماعی کمک می‌کنند. جامعه‌شناسانی که طبق سنت کارکردگرایی کار می‌کنند خانواده‌هسته‌ای را عهده‌دار نقش‌های تخصصی معینی در جوامع مدرن می‌دانند.

با پیدایش صنعتی شدن، خانواده اهمیت خود را در مقام واحد تولید اقتصادی از دست داد و بیش‌تر روی تولیدمثل، پرورش کودک و اجتماعی شدن کودکان متمرکز شد. از نظر تالکوت پارسونز، دو کارکرد اصلی خانواده عبارت‌اند از: «اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت» (Parsons and Bales, 1956). کینگزلی دیویس^۱ پس از تشریح روابط متقابل اعضای خانواده، چهار کارکرد اساسی تولیدمثل، نگهداری کودکان نابالغ، ایجاد پایگاه اجتماعی برای فرزندان و جامعه‌پذیری را برای خانواده مطرح می‌کند.

علاوه بر این مرداک با توجه به تأکیدش بر جهانی بودن خانواده هسته‌ای، چهار کارکرد فوق را برای خانواده هسته‌ای ذکر می‌کند. کونیک^۲ نیز کارکردهای خانواده را تولیدمثل و امتداد نسل، جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ بیان داشته است. باتامور^۳ برای نظام خانواده زن و شوهری چهار کارکرد عمده جنسی، اقتصادی، تولیدمثل و تعلیم و تربیت را مطرح نموده است. اگبرن^۴ و تی‌بیتز^۵ شش کارکرد اساسی خانواده را مطرح کردند که عبارت‌اند از: تولیدمثل^۶، محافظت^۷، اجتماعی کردن^۸، تنظیم روابط جنسی^۹، عاطفه و همراهی^{۱۰}، پایگاه اجتماعی^{۱۱}. ارنست برجس^{۱۲} مهم‌ترین کارکرد خانواده امروزی را پرورش و حفظ شخصیت اعضای آن می‌داند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۴۵).

-
1. Kingezly Daivise
 2. Chonike
 3. Batamore
 4. Ogberm
 5. Tibitz
 6. Reproduction Providing of social status
 7. Protection
 8. Socialisation
 9. Regulation of behavior
 10. Affection and companionship
 11. Providing of social status
 12. Ernest Berges

در تبیین‌های کارکردی فوق‌صفاً به کارکردهای مثبت و هنجارمند نظام خانواده و کنش اجتماعی برخاسته از آن توجه شده است. اما از نظر رابرت کینگ مرتون همچنان که ساختارها یا نهادها [من جمله نهاد خانواده] می‌توانند به حفظ بخش‌های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می‌توانند برای آن‌ها پیامدهای منفی نیز داشته باشند (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۴۶). شاید بتوان این‌گونه گفت که خانواده‌ها در شرایط و موقعیت‌های «آسیب‌پذیری» می‌توانند کارکردهای منفی و کژکارکرد را به نمایش بگذارند. به عبارت دیگر، گاهی اوقات، شرایط به نحوی فراهم می‌شود که خانواده‌ی عادی با کارکردهای مثبت در موقعیت خانواده‌ی آسیب‌پذیر قرار گرفته و کارکردهای منفی یا کژکارکرد از خود بروز می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در این قسمت به تحقیقاتی اشاره خواهیم کرد که به موضوع آسیب‌پذیری خانواده و متغیرهای مؤثر بر آن پرداخته‌اند. یکی از عواملی که در سطح آسیب‌پذیری خانواده‌ها مؤثر است، پیکربندی خانواده، یعنی اندازه و ترکیب خانواده (Vandecasteele, 2011) یا به عبارت کلی‌تر، وضعیت فرزندان از بعد کمی است. از این منظر، یک دوگانگی در نتایج مطالعات وجود دارد. از یکسو، برخی از مطالعات بر این امر تأکید کرده‌اند که داشتن فرزندان زیاد، آسیب‌پذیری را بیشتر می‌کند. معمولاً مشکلات اقتصادی [آسیب‌پذیر اقتصادی] در این‌گونه خانواده‌ها بیشتر مطرح است. (Radcliff and etc., 2012). هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، معمولاً بار مالی خانواده بیشتر می‌شود و بنابراین هر دو والدین نیازمند کار پولی هستند.

بنابراین، خانوارهای دارای سه فرزند یا بیشتر در معرض خطر محرومیت بیشتری هستند (Riederer and Wolfsbauer, 2011; Mynarska and etc., 2015). از سوی دیگر، در برخی از مطالعات تک‌فرزندی (Zimmerman, 2017) و داشتن فرزند خردسال (Roelen and ate., 2012) را دربردارنده‌ی یک وضعیت آسیب‌پذیری دانسته‌اند. نکته

دیگری که نباید از آن غفلت ورزید، این است که میزان آسیب‌پذیری خانواده‌ها بر حسب متغیرهای زمینه‌ای دموگرافیکی متفاوت است. همان‌گونه که مترک^۱ و لوتز^۲ (۲۰۱۴: ۴۲) نیز اذعان کرده‌اند که «واضح و روشن است که تقریباً برای هر نوع خطری، افراد به یک اندازه آسیب‌پذیر نیستند. آسیب‌پذیری‌ها بر اساس سن، جنسیت، سطح درآمد، تحصیلات و محل سکونت و... متفاوت است».

ادعایی که به رجوع به تحقیقات و مطالعات تجربی در این زمینه قابل‌اثبات است. برای نمونه، «آسیب‌پذیری اجتماعی به عنوان پیش‌بین ناتوانی و مرگ‌ومیر: تفاوت‌هایی بین -کشوری در بررسی سلامت، پیری و بازنشستگی در اروپا» پژوهشی است که والاس^۳ و همکارانش در سال ۲۰۱۵ به انجام رسانده‌اند. در این مطالعه، شاخص آسیب‌پذیری اجتماعی شامل طیف گسترده‌ای از مشکلات اجتماعی بالقوه مانند وضعیت زندگی ایزوله شده، عدم حمایت اجتماعی، سطح پایین تعامل اجتماعی، ضعف یا فقدان احساس کنترل بر شرایط زندگی فردی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین مدنظر قرار گرفت و تعداد ۱۸۲۸۹ نفر از افراد بالای پنجاه سال مورد مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌های مطالعه فوق نشان داد که همگام با افزایش سن، سطح آسیب‌پذیری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در برخی از مطالعات نیز نشان داده شده است که افراد گروه‌های سنی بالاتر یا به عبارت دقیق‌تر افراد مسن (تر) در برابر بلایای طبیعی^۴ آسیب‌پذیرتر از گروه‌های سنی دیگر هستند و نیز نسبت به قربانیان جوان‌تر احساس محرومیت نسبی بیشتری دارند، حتی اگر تفاوت معناداری در واقعیت وجود نداشته باشد (برای مثال ر.ک. به: Glass and Bolin and Klenow, 1983; Tanida, 1996).

-
1. Muttarak
 2. Lutz
 3. wallace
 4. natural disasters

رایدر^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در کتابی با عنوان «آسیب‌پذیری و آینده خانواده‌های دارای فرزند در اروپا: ۹ پرسش و پاسخ مربوطه» با تعیین ابعادی آسیب‌پذیری به چهار بعد اقتصادی، روانی، اجتماعی و جسمی نشان داده‌اند که از نظر تفاوت‌های جنسیتی، زنان به دلیل افزایش میزان مشارکت در مشاغل، بیشتر از مردان در معرض آسیب‌پذیری روانی قرار دارند. علاوه بر این، در برخی از مطالعات داخلی بر آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان به ویژه زمانی که زنان نقش سرپرستی خانوار را بر عهده دارند تأکید شده است (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶؛ ستاره فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲ و افراسیابی و جهانگیری، ۱۳۹۵).

نتایج مطالعات حسینی بادنجان‌ی و همکاران (۱۳۹۱) و رضایی و محمودی (۱۳۹۸) نیز بر آسیب‌پذیری روانی و خسروی (۱۳۸۰) بر آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی زنان تأکید داشته است. نتایج مطالعه فاطمی و همکاران (۲۰۱۷) نیز زنانه بودن آسیب‌پذیری را گوشزد نموده است. در مطالعات خارجی نیز بر آسیب‌پذیری روانی بیشتر زنان نسبت به مردان (برای نمونه Aneshensel and Pearlin, 1987; Gove and Tudor, 1973; Lennon, 1987; Ross and Mirowsky, 1988) و آسیب‌پذیری اقتصادی بیشتر مردان نسبت به زنان تأکید شده است (Kessler and McLeod, 1984; Thoits, 1987; Turner and Avison, 1989).

دسته دیگر از مطالعات نیز تفاوت‌های جنسیتی را در میزان آسیب‌پذیری مؤثر ندانسته و بر تفاوت در وضعیت تأهل تأکید کرده‌اند. در واقع، وضعیت تأهل می‌تواند بر تفاوت‌های جنسیتی در آسیب‌پذیری به‌طور کلی و آسیب‌پذیری روان‌شناختی به‌طور خاص تأثیر بگذارد (Kessler and Essex, 1985; Pearlin and Johnson, 1997). هبست-دبی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «مسیرهای متمایز آسیب‌پذیری: وضعیت تأهل، فرزندان، جنسیت و فقر» نشان داد که طلاق خطرات فقر و آسیب‌پذیری اقتصادی را برای زنان افزایش و برای مردان کاهش می‌دهد.

1. Riederer
2. Herbst-Debby

همچنین در مطالعات مربوط به آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، آموزش را کلید کاهش آسیب‌پذیری معرفی کرده‌اند (برای نمونه ر.ک. به: Muttarak and Lutz, 2014). به اعتقاد وی، به‌طور کلی، آموزش می‌تواند به دو شیوه مستقیم (شامل ۱. افزایش مهارت‌های شناختی؛ ۲. مهارت‌های حل مسئله؛ ۳. دانش و آگاهی بهتر و ۴. ادراک و فهم خطر) و غیرمستقیم (۱. کاهش فقر؛ ۲. دستیابی به اطلاعات و ۳. افزایش سرمایه اجتماعی) به کاهش آسیب‌پذیری در هر بعدی کمک نماید. هم‌چنین فرد تحصیل کرده از دانش عملی بهتری در زمینه تغذیه و شیوه‌های بهداشتی برخوردار است (Nayga, 2000 and Burchi, 2010) و می‌تواند ظرفیت برنامه‌ریزی برای آینده و تخصیص منابع را بهبود ببخشد (Glewwe, 1999).

قابل ذکر است که در مطالعه پیش‌رو، متغیرهایی چون نگرش به طلاق و شیوه‌های حل تعارضات خانوادگی مورد مطالعه قرار گرفت که پیش از این در تحقیقات خارجی و داخلی از آن‌ها غفلت شد. بدین ترتیب، مطالعه حاضر می‌تواند خلأ تحقیقاتی موجود در این زمینه را پوشش دهد. مطالعه متغیرهای فوق با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی جامعه ایرانی مبنی بر قبح نسبی طلاق (به ویژه در میان برخی از قشرهای جامعه) و خانواده محوری جهت حل تعارضات به جای رجوع به متخصصین و مشاوران حوزه خانواده از اهمیت وافر برخوردار است.

روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو از روش تحلیل داده‌ها با الگوی تحلیل ثانویه اطلاعات بهره برده است. تحلیل ثانویه^۱ به معنای استفاده از روش آماری جدید جهت بررسی مجدد داده‌های گردآوری شده می‌باشد. مبنای گردآوری اطلاعات، «اطلاعات و داده‌های پیمایش ملی خانواده ایرانی» در سال ۱۳۹۸ است که توسط جهاد دانشگاهی انجام شده و در حال حاضر

1. A secondary analysis

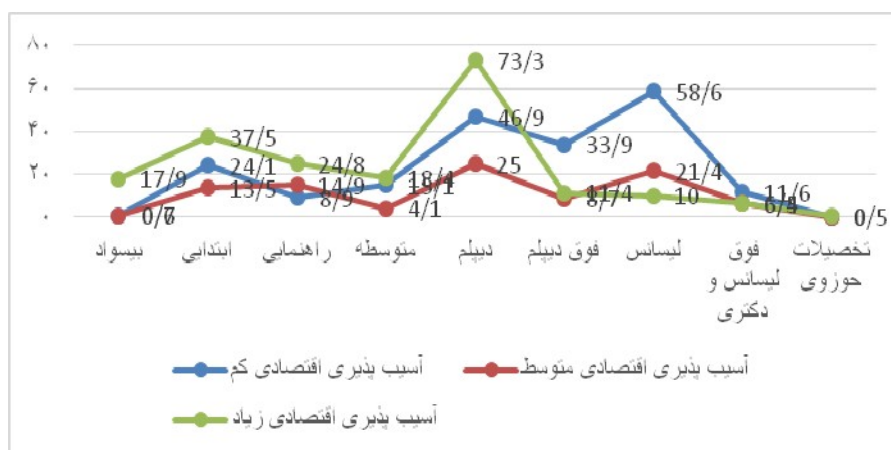
منبع درجه دومی برای این مقاله محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، جامعه آماری تحقیق را کلیه داده‌های مذکور تشکیل می‌دهند که به صورت تمام‌شماری از داده‌ها استفاده شد. با توجه به روش مورد استفاده در مطالعه حاضر، جهت دستیابی به اعتبار تحقیق، از روش اعتبار صوری بهره برده شده است.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده، شاخص‌های آسیب‌پذیری در سطح خانواده در ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روانی مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و برای توصیف داده‌های پژوهش از نمودارهای نمایانگر آمارهای توصیفی همچون فراوانی و درصد استفاده شده است. همچنین برای آزمون فرضیات تحقیق نیز از آزمون‌های آماری کای اسکوئر و ضریب وی کرامرز استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

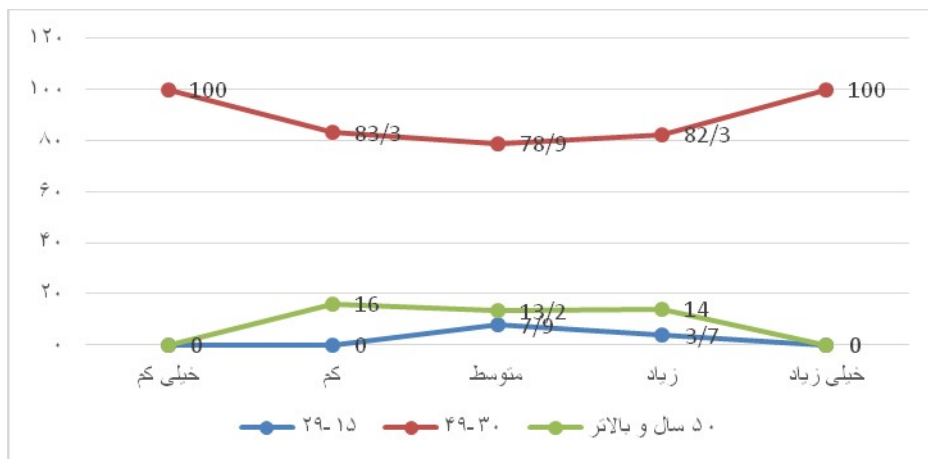
در این بخش، وجود یا عدم وجود روابط معنادار را میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی در ابعاد سه‌گانه) مطالعه خواهیم کرد.

• متغیرهای زمینه‌ای و شاخص آسیب‌پذیری و ابعاد آن



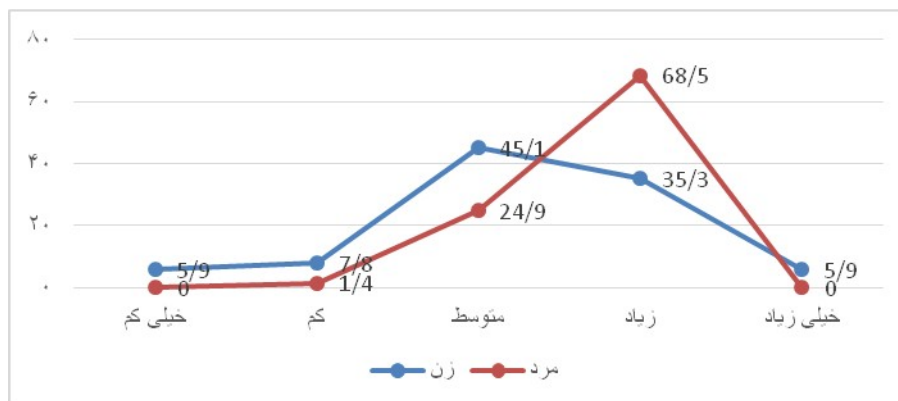
نمودار ۱- سطح آسیب‌پذیری پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات

همان‌طوری که نمودار فوق نشان می‌دهد، بر اساس سطح تحصیلات پاسخگویان باید گفت به شکل معناداری با افزایش سطح تحصیلات سطح آسیب‌پذیری خانواده‌ها کاهش می‌یابد و این سیر صعودی هم در آسیب‌پذیری کل و هم در ابعاد سه‌گانه آسیب‌پذیری (آسیب‌پذیری اقتصادی، آسیب‌پذیری روان‌شناختی و آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی) قابل مشاهده است. بیش‌ترین سطح آسیب‌پذیری نیز در سطح دیپلم و کمترین سطح در سطح تحصیلات حوزوی بوده است.



نمودار ۲- سطح آسیب‌پذیری پاسخگویان بر اساس سن

بر اساس داده‌های نمودار فوق، از نظر سن، میزان آسیب‌پذیری اقتصادی و آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی تغییری نمی‌کند و رابطه معنادار مشاهده نشده است. اما رابطه معناداری بین سن پاسخگویان با سطح آسیب‌پذیری کل و روان‌شناختی دیده شده است. به نحوی که با افزایش سن پاسخگویان میزان آسیب‌پذیری کل و روان‌شناختی آنان افزایش می‌یابد و از این منظر، بیش‌ترین سطح مربوط به گروه سنی ۳۰-۴۹ سال و کمترین سطح مربوط به گروه سنی ۱۵-۲۹ سال بوده است.



نمودار ۳- سطح آسیب‌پذیری پاسخگویان بر اساس جنسیت

نمودار فوق نیز سطح آسیب‌پذیر پاسخگویان را بر حسب متغیر جنس نشان می‌دهد. از این منظر، سطح آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی مردان و سطح آسیب‌پذیری روان‌شناختی زنان بیشتر بوده است. در مجموع نیز سطح آسیب‌پذیری مردان بیشتر از زنان بوده است. علاوه بر این، بین متغیر وضعیت تأهل و متغیر وابسته رابطه معناداری دیده نشد. و باید گفت مجرد یا متأهل بودن پاسخگویان تأثیری در میزان آسیب‌پذیری آنان ندارد.

• شیوه تربیت فرزندان و شاخص آسیب‌پذیری و ابعاد آن

همان‌گونه که در جدول ذیل قابل‌مشاهده است بیشترین فراوانی از نظر آسیب‌پذیری اقتصادی، مربوط به کسانی است که از نظر شیوه تربیتی مستبدانه و غیر مستبدانه در حد وسط قرار دارند (۴۷۸ نفر معادل ۵۸/۸ درصد) و کمترین سطح آسیب‌پذیری اقتصادی نیز در بین افرادی با شیوه فرزندپروری کاملاً مستبدانه (۵ نفر معادل ۰/۶ درصد) دیده شده است. با توجه به نتایج آزمون کای اسکوئر ($\chi^2=193/593$)؛ ($sig=0/000$) می‌توان اذعان داشت که آسیب‌پذیری اقتصادی افراد از حیث شیوه تربیت فرزندان تفاوت معنادار داشته و همچنین معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز ($sig=0/000$) نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ سطح این رابطه در حد متوسط رو به پایین است ($Cramer's\ v=0/245$).

از نظر آسیب‌پذیری روان‌شناختی بیشترین فراوانی مربوط به کسانی است که از نظر شیوه تربیتی مستبدانه و غیر مستبدانه در حد وسط قرار دارند (۱۳۴۶ نفر معادل ۵۷/۳ درصد) و کمترین سطح آسیب‌پذیری روان‌شناختی نیز در بین افرادی با شیوه فرزندپروری کاملاً مستبدانه (۹ نفر معادل ۰/۴ درصد) دیده شده است. با توجه به نتایج آزمون کای اسکوئر ($\chi^2=122/048$; $sig=0/000$) می‌توان اذعان داشت که آسیب‌پذیری روان‌شناختی افراد از حیث شیوه تربیت فرزندان تفاوت معنادار داشته و همچنین معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز ($sig=0/000$) نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ سطح این رابطه در حد متوسط رو به پایین است ($v=Cramer's=0/114$).

بین سطح آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی از نظر شیوه تربیت فرزندان تفاوت معناداری وجود ندارد. در مجموع با توجه به عدم معناداری آزمون تفاوت ضریب همبستگی کرامر ($sig=0/127$; $v=0/264$) شاخص کمی آسیب‌پذیری کل، می‌توان اذعان داشت که وضعیت پاسخگویان از نظر شیوه تربیت فرزندان و نظرشان در خصوص آسیب‌پذیری کل با یکدیگر تفاوت معنادار نداشته است.

جدول ۱- سطح آسیب‌پذیری پاسخگویان بر اساس شیوه تربیت فرزندان

شیوه تربیت فرزندان و شاخص آسیب‌پذیری							
آسیب‌پذیری اقتصادی							
وضعیت پاسخگو	نوع توزیع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کاملاً غیر مستبدانه	فراوانی	۰	۱	۵	۶	۰	۱۲
	درصد	%۰۰.۰	%۳۰.۸	%۷۰.۴۱	%۰۰.۵۰	%۰۰.۰	%۰۰.۱۰۰
غیر مستبدانه	فراوانی	۳	۵۰	۱۱۲	۷۱	۹	۲۴۵
	درصد	%۲۰.۱	%۴۰.۲۰	%۷۰.۴۵	%۰۰.۲۹	%۷۰.۳	%۰۰.۱۰۰
متوسط	فراوانی	۶	۷۰	۲۶۷	۱۲۷	۸	۴۷۸
	درصد	%۳۰.۱	%۶۰.۱۴	%۹۰.۵۵	%۶۰.۲۶	%۷۰.۱	%۰۰.۱۰۰
مستبدانه	فراوانی	۱	۲۴	۳۰	۱۴	۴	۷۳
	درصد	%۴۰.۱	%۹۰.۳۲	%۱۰.۴۱	%۲۰.۱۹	%۵۰.۵	%۰۰.۱۰۰
کاملاً مستبدانه	فراوانی	۱	۰	۳	۱	۰	۵
	درصد	%۰۰.۲۰	%۰۰.۰	%۰۰.۶۰	%۰۰.۲۰	%۰۰.۰	%۰۰.۱۰۰
جمع	فراوانی	۱۱	۱۴۵	۴۱۷	۲۱۹	۲۱	۸۱۳
درصد ردیفی		%۴۰.۱	%۸۰.۱۷	%۳۰.۵۱	%۹۰.۲۶	%۶۰.۲	%۰۰.۱۰۰

$Sig=0,000$ ($\chi^2=193,991$)
 $Sig=0,003$ ($\chi^2=0,245$)

بررسی آسیب پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرها...، اسدپور و موسوی | ۴۱۳

آسیب‌پذیری روان‌شناختی							
۳۲	۳	۲۴	۵	۰	۰	فراوانی	کاملاً غیر
%۰۰.۱۰۰	%۴۰.۹	%۰۰.۷۵	%۶۰.۱۵	%۰۰.۰	%۰۰.۰	درصد	مستبدانه
۷۶۵	۱۰۲	۵۷۸	۷۰	۱۴	۱	فراوانی	غیر
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۱۳	%۶۰.۷۵	%۲۰.۹	%۸۰.۱	%۱۰.۰	درصد	مستبدانه
۱۳۴۶	۱۹۷	۹۷۸	۱۴۱	۲۷	۳	فراوانی	متوسط
%۰۰.۱۰۰	%۶۰.۱۴	%۷۰.۷۲	%۵۰.۱۰	%۰۰.۲	%۲۰.۰	درصد	
۱۹۹	۴۲	۱۲۴	۲۷	۶	۰	فراوانی	مستبدانه
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۲۱	%۳۰.۶۲	%۶۰.۱۳	%۰۰.۳	%۰۰.۰	درصد	
۹	۳	۵	۱	۰	۰	فراوانی	کاملاً
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۳۳	%۶۰.۵۵	%۱۰.۱۱	%۰۰.۰	%۰۰.۰	درصد	مستبدانه
۲۳۵۱	۳۴۷	۱۷۰۹	۲۴۴	۴۷	۴	فراوانی	جمع
%۰۰.۱۰۰	%۸۰.۱۴	%۷۰.۷۲	%۴۰.۱۰	%۰۰.۲	%۲۰.۰	درصد ردیفی	
آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی							
۴	۰	۱	۱	۱	۱	فراوانی	کاملاً غیر
%۰۰.۱۰۰	%۰۰.۰	%۰۰.۲۵	%۰۰.۲۵	%۰۰.۲۵	%۰۰.۲۵	درصد	مستبدانه
۱۴۳	۱۳	۴۴	۵۷	۲۰	۹	فراوانی	غیر
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۹	%۸۰.۳۰	%۹۰.۳۹	%۰۰.۱۴	%۳۰.۶	درصد	مستبدانه
۲۸۲	۳۴	۷۵	۱۱۲	۴۸	۱۳	فراوانی	متوسط
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۱۲	%۶۰.۲۶	%۷۰.۳۹	%۰۰.۱۷	%۶۰.۴	درصد	
۴۳	۴	۸	۱۸	۱۰	۳	فراوانی	مستبدانه
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۹	%۶۰.۱۸	%۹۰.۴۱	%۳۰.۲۳	%۰۰.۷	درصد	
۴۷۲	۵۱	۱۲۸	۱۸۸	۷۹	۲۶	فراوانی	جمع
%۰۰.۱۰۰	%۸۰.۱۰	%۱۰.۲۷	%۸۰.۳۹	%۷۰.۱۶	%۵۰.۵	درصد ردیفی	
۵	۰	۴	۱	۰	۰	فراوانی	کاملاً غیر
%۰۰.۱۰۰	%۰۰.۰	%۰۰.۸۰	%۰۰.۲۰	%۰۰.۰	%۰۰.۰	درصد ردیفی	مستبدانه
۸۴	۳	۵۶	۲۴	۰	۱	فراوانی	غیر
%۰۰.۱۰۰	%۶۰.۳	%۷۰.۶۶	%۶۰.۲۸	%۰۰.۰	%۲۰.۱	درصد ردیفی	مستبدانه
۱۵۱	۸	۹۱	۴۶	۵	۱	فراوانی	متوسط
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۵	%۳۰.۶۰	%۵۰.۳۰	%۳۰.۳	%۷۰.۰	درصد ردیفی	
۲۳	۴	۱۳	۵	۱	۰	فراوانی	مستبدانه
%۰۰.۱۰۰	%۴۰.۱۷	%۵۰.۵۶	%۷۰.۲۱	%۳۰.۴	%۰۰.۰	درصد ردیفی	
۲۳	۴	۱۳	۵	۱	۰	فراوانی	کاملاً
%۰۰.۱۰۰	%۴۰.۱۷	%۵۰.۵۶	%۷۰.۲۱	%۳۰.۴	%۰۰.۰	درصد ردیفی	مستبدانه
۲۶۳	۱۵	۱۶۴	۷۶	۶	۲	فراوانی	جمع
%۰۰.۱۰۰	%۷۰.۵	%۴۰.۶۲	%۹۰.۲۸	%۳۰.۲	%۸۰.۰	درصد ردیفی	

Sig=۰,۰۰۰ ($\chi^2=۱۲۲,۰۴۸$)
Sig=۰,۰۰۰ ($\chi^2=۰,۱۱۴$)

Sig=۰,۵۳۹ ($\chi^2=۵۸,۲۸۴$)
Sig=۰,۵۳۹ ($\chi^2=۰,۱۷۵$)

شاخص آسیب‌پذیری کل
 $\chi^2=۷۲,۶۰۴$
Sig=۰,۱۲۷,
Sig=۰,۱۲۷ ($\chi^2=۰,۲۶۲$)

• **عداد فرزندان و شاخص آسیب‌پذیری و ابعاد آن**

بر اساس داده‌های آماری جدول ذیل می‌توان گفت بیشترین فراوانی از نظر آسیب‌پذیری اقتصادی، مربوط به کسانی است که صاحب تا دو فرزند بوده‌اند (۳۵۲ نفر معادل ۴۴/۱ درصد) و کمترین سطح آسیب‌پذیری اقتصادی نیز در بین افرادی با ۵ فرزند و بیشتر (۱۰۹ نفر معادل ۱۳/۶ درصد) دیده شده است. با توجه به نتایج آزمون کای اسکور ($\chi^2=12/487$; $sig=0/000$) می‌توان ادعان داشت که آسیب‌پذیری اقتصادی افراد از حیث تعداد فرزندان تفاوت معنادار داشته است.

همچنین داده‌های آماری جدول مزبور معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز (sig=0/000) را نشان می‌دهد که باید گفت در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ سطح این رابطه در حد بسیار ضعیفی است ($Cramer's\ v=0/072$). قابل ذکر است که بین سطح آسیب‌پذیری کل و دیگر ابعاد آسیب‌پذیری (آسیب‌پذیری روان‌شناختی، آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی) با متغیر وابسته مورد بررسی (تعداد فرزندان) رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲- سطح آسیب‌پذیری پاسخگویان بر اساس تعداد فرزندان

تعداد فرزندان و شاخص آسیب‌پذیری							
آسیب‌پذیری اقتصادی							
وضعیت پاسخگو	نوع توزیع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
آزمون‌ها Sig=0,000 ($\chi^2=12,487$) Sig=0,000 ($v=0,072$)	تا ۲ فرزند	فراوانی	۶	۵۶	۱۸۸	۹۴	۸
	درصد		۷۰,۱%	۹۰,۱۵%	۴۰,۵۳%	۷۰,۲۶%	۳۰,۲%
	۳ فرزند	فراوانی	۰	۲۴	۶۹	۴۲	۴
	درصد		۰,۰%	۳۰,۱۷%	۶۰,۴۹%	۲۰,۳۰%	۹۰,۲%
	۴ فرزند	فراوانی	۴	۳۷	۱۱۰	۴۴	۴
	درصد		۰,۲%	۶۰,۱۸%	۳۰,۵۵%	۱۰,۲۲%	۰,۲%
	۵ فرزند و	فراوانی	۰	۲۵	۴۸	۳۲	۴
	درصد		۰,۰%	۹۰,۳۲%	۰,۴۴%	۴۰,۲۹%	۷۰,۳%
	جمع	فراوانی	۱۰	۱۴۲	۴۱۵	۲۱۲	۲۰
	درصد		۳۰,۱%	۸۰,۱۷%	۹۰,۵۱%	۵۰,۲۶%	۵۰,۲%

بررسی آسیب پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرها...، اسدپور و موسوی | ۴۱۵

آسیب‌پذیری روان‌شناختی								
۸۳۸	۱۲۲	۶۱۲	۸۳	۲۰	۱	فراوانی	تا ۲ فرزند	Sig=۰,۲۰۸, $\chi^2=۱۵,۶۵۲$ Sig=۰,۲۰۸, $\nu=۰,۰۴۸$
%۰۰.۱۰۰	%۶۰.۱۴	%۰۰.۷۳	%۹۰.۹	%۴۰.۲	%۱۰.۰	درصد		
۴۸۸	۶۹	۳۳۷	۶۴	۱۷	۱	فراوانی	۳ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۱۴	%۱۰.۶۹	%۱۰.۱۳	%۵۰.۳	%۲۰.۰	درصد		
۶۲۴	۹۴	۴۶۰	۶۱	۸	۱	فراوانی	۴ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۱۵	%۷۰.۷۳	%۸۰.۹	%۳۰.۱	%۲۰.۰	درصد		
۳۶۱	۵۸	۲۶۳	۳۷	۳	۰	فراوانی	۵ فرزند و بیشتر	
%۰۰.۱۰۰	%۱۰.۱۶	%۹۰.۷۲	%۲۰.۱۰	%۸۰.۰	%۰۰.۰	درصد		
۲۳۱۱	۳۴۳	۱۶۷۲	۲۴۵	۴۸	۳	فراوانی	جمع	
%۰۰.۱۰۰	%۸۰.۱۴	%۳۰.۷۲	%۶۰.۱۰	%۱۰.۲	%۱۰.۰	درصد		
آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی								
۲۱۸	۲۹	۵۲	۸۶	۴۱	۱۰	فراوانی	تا ۲ فرزند	Sig=۰,۰۹۸, $\chi^2=۱۸,۶۳۵$ Sig=۰,۰۹۸, $\nu=۰,۱۱۵$
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۱۳	%۹۰.۲۳	%۴۰.۳۹	%۸۰.۱۸	%۶۰.۴	درصد		
۸۷	۹	۳۶	۳۰	۹	۳	فراوانی	۳ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۱۰	%۴۰.۴۱	%۵۰.۳۴	%۳۰.۱۰	%۴۰.۳	درصد		
۱۰۷	۶	۲۷	۴۴	۲۲	۸	فراوانی	۴ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۶۰.۵	%۲۰.۲۵	%۱۰.۴۱	%۶۰.۲۰	%۵۰.۷	درصد		
۵۵	۶	۱۴	۲۲	۸	۵	فراوانی	۵ فرزند و بیشتر	
%۰۰.۱۰۰	%۹۰.۱۰	%۵۰.۲۵	%۰۰.۴۰	%۵۰.۱۴	%۱۰.۹	درصد		
۴۶۷	۵۰	۱۲۹	۱۸۲	۸۰	۲۶	فراوانی	جمع	
%۰۰.۱۰۰	%۷۰.۱۰	%۶۰.۲۷	%۰۰.۳۹	%۱۰.۱۷	%۶۰.۵	درصد		
۱۲۹	۶	۸۳	۳۶	۱	۳	فراوانی	تا ۲ فرزند	شاخص آسیب‌پذیری کل $\chi^2=۱۴,۱۰۸$ Sig=۰,۲۹۴, Sig=۰,۲۹۴, $\nu=۰,۱۳۴$
%۰۰.۱۰۰	%۷۰.۴	%۳۰.۶۴	%۹۰.۲۷	%۸۰.۰	%۳۰.۲	درصد		
۵۳	۳	۳۶	۱۱	۳	۰	فراوانی	۳ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۷۰.۵	%۹۰.۶۷	%۸۰.۲۰	%۷۰.۵	%۰۰.۰	درصد		
۵۵	۴	۳۲	۱۸	۱	۰	فراوانی	۴ فرزند	
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۷	%۲۰.۵۸	%۷۰.۳۲	%۸۰.۱	%۰۰.۰	درصد		
۲۳	۱	۱۰	۱۱	۱	۰	فراوانی	۵ فرزند و بیشتر	
%۰۰.۱۰۰	%۳۰.۴	%۵۰.۴۳	%۸۰.۴۷	%۳۰.۴	%۰۰.۰	درصد		
۲۶۰	۱۴	۱۶۱	۷۶	۶	۳	فراوانی	جمع	
%۰۰.۱۰۰	%۴۰.۵	%۹۰.۶۱	%۲۰.۲۹	%۳۰.۲	%۲۰.۱	درصد		

• نگرش به طلاق و شاخص آسیب‌پذیری و ابعاد آن

بیش‌ترین فراوانی از نظر آسیب‌پذیری اقتصادی، مربوط به کسانی است که نگرششان نسبت به طلاق در حد متوسط ارزیابی شده است. یعنی کسانی که نه نگاه کاملاً منفی و نه کاملاً مثبتی به طلاق داشته‌اند (۳۰۱ نفر معادل ۳۷/۲ درصد) و کمترین سطح نیز در بین افرادی با نگرش کاملاً منفی نسبت به طلاق داشته‌اند (۳۹ نفر معادل ۴/۸ درصد) دیده شده است. با توجه به نتایج آزمون کای اسکوئر ($\chi^2=27/364$; $sig=0/0004$) می‌توان ادعا داشت که آسیب‌پذیری اقتصادی افراد از حیث نگرششان به طلاق تفاوت معنادار داشته و همچنین معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز ($sig=0/000$) نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ سطح این رابطه در حد بسیار ضعیفی است ($Cramer's\ v=0/035$).

بیش‌ترین فراوانی از نظر آسیب‌پذیری روان‌شناختی، مربوط به کسانی است که نگرششان نسبت به طلاق در حد متوسط ارزیابی شده است (۸۹۸ نفر معادل ۳۸/۴ درصد) و کمترین سطح نیز در بین افرادی با نگرش کاملاً منفی نسبت به طلاق داشته‌اند (۱۰۰ نفر معادل ۴/۳ درصد) دیده شده است. با توجه به نتایج آزمون کای اسکوئر ($\chi^2=43/922$; $sig=0/0004$) آسیب‌پذیری روان‌شناختی افراد از حیث نگرششان به طلاق تفاوت معنادار داشته و همچنین معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز ($sig=0/000$) نشان می‌دهد که سطح این رابطه در حد بسیار ضعیفی است ($Cramer's\ v=0/069$). بین سطح آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی و نگرش نسبت به طلاق نیز رابطه معناداری وجود ندارد.

در مجموع با توجه به معنادار بودن آزمون تفاوت ($\chi^2=21/510$; $sig=0/0064$) و ضریب همبستگی کرامرز ($v=0/143$; $sig=0/006$) شاخص کمی آسیب‌پذیری کل، می‌توان ادعا داشت که وضعیت پاسخگویان از نظر نگرش به طلاق و نظرشان در خصوص آسیب‌پذیری کل با یکدیگر تفاوت معنادار داشته و همچنین با توجه به معناداری ضریب همبستگی وی کرامرز دو متغیر فوق‌الذکر می‌توان ادعا داشت که سطح همبستگی‌شان در حد ضعیف می‌باشد.

جدول ۳- سطح آسیب پذیری پاسخگویان بر اساس نگرش به طلاق

نگرش به طلاق و شاخص آسیب پذیری							
آسیب‌پذیری اقتصادی							
آزمون‌ها	وضعیت پاسخگو	نوع توزیع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
جمع							
Sig=۰,۰۰۰, (F=۳۷,۶۶۴) Sig=۰,۰۰۰, (F=۰,۰۳۵)	نگرش کاملاً منفی	فراوانی	۳	۱۵	۱۵	۶	۰
	درصد		۷,۷%	۵,۳۸%	۴,۱۵%	۰,۰%	۰,۰%
	نگرش منفی	فراوانی	۳	۳۸	۱۲۳	۶۰	۶
	درصد		۳,۱%	۵,۱۶%	۵,۵۳%	۱,۲۶%	۰,۶%
	نگرش متوسط	فراوانی	۳	۵۶	۱۵۰	۸۴	۸
	درصد		۰,۱%	۶,۱۸%	۸,۴۹%	۹,۲۷%	۰,۷%
	نگرش مثبت	فراوانی	۳	۲۸	۱۰۰	۵۰	۶
	درصد		۶,۱%	۰,۱۵%	۵,۵۳%	۷,۲۶%	۲,۳%
	نگرش کاملاً مثبت	فراوانی	۱	۸	۲۷	۱۷	۰
	درصد		۹,۱%	۱,۱۵%	۹,۵۰%	۱,۳۲%	۰,۰%
	جمع	فراوانی	۱۳	۱۴۵	۴۱۵	۲۱۷	۲۰
	درصد		۶,۱%	۹,۱۷%	۲,۵۱%	۸,۲۶%	۰,۵%
آسیب‌پذیری روان‌شناختی							
Sig=۰,۰۰۰, (F=۴۳,۹۲۲) Sig=۰,۰۰۰, (F=۰,۰۶۹)	نگرش کاملاً منفی	فراوانی	۰	۳	۱۸	۷۴	۵
	درصد		۰,۰%	۰,۳%	۰,۱۸%	۰,۷۴%	۰,۰۵%
	نگرش منفی	فراوانی	۱	۱۰	۸۳	۴۶۱	۹۸
	درصد		۲,۰%	۵,۱%	۷,۱۲%	۶,۷۰%	۰,۱۵%
	نگرش متوسط	فراوانی	۳	۱۴	۸۸	۶۶۲	۱۳۱
	درصد		۳,۰%	۶,۱%	۸,۹%	۷,۷۳%	۱,۴%
	نگرش مثبت	فراوانی	۰	۱۰	۵۰	۳۹۴	۹۱
	درصد		۰,۰%	۸,۱%	۲,۹%	۳,۷۲%	۰,۷%
	نگرش کاملاً مثبت	فراوانی	۰	۹	۵	۱۰۸	۱۹
	درصد		۰,۰%	۴,۶%	۰,۵%	۶,۷۶%	۰,۱۳%
	جمع	فراوانی	۴	۴۶	۲۴۴	۱۶۹۹	۳۴۴
	درصد		۲,۰%	۰,۲%	۴,۱۰%	۷,۷۲%	۰,۷%
آسیب‌پذیری اجتماعی-فرهنگی							
Sig=۰,۱۵۴, (F=۱۸,۶۸۸) Sig=۰,۱۵۴, (F=۰,۱۰۰)	نگرش کاملاً منفی	فراوانی	۱	۵	۵	۶	۱
	درصد		۶,۵%	۸,۲۷%	۸,۲۷%	۳,۳۳%	۰,۶۵%
	نگرش منفی	فراوانی	۹	۲۳	۵۰	۲۷	۱۰
	درصد		۶,۷%	۳,۱۹%	۰,۴۲%	۷,۲۲%	۴,۸%
	نگرش متوسط	فراوانی	۴	۲۵	۷۵	۵۲	۲۲
	درصد		۲,۲%	۰,۱۴%	۱,۴۲%	۲,۲۹%	۴,۱۲%
نگرش مثبت	فراوانی	۱۰	۱۹	۴۴	۳۶	۱۷	
درصد		۹,۷%	۱,۱۵%	۹,۳۴%	۰,۲۸%	۰,۱۳%	

۳۰	۱	۶	۱۴	۸	۱	فراوانی	نگرش کاملاً مثبت	شاخص آسیب‌پذیری کل $\chi^2=21.510$ Sig=0.006 Sig=0.160, (n=0.123)
%۰.۱۰۰	%۳.۳	%۰.۲۰	%۷.۴۶	%۷.۲۶	%۳.۳	درصد	مثبت	
۴۷۱	۵۱	۱۲۷	۱۸۸	۸۰	۲۵	فراوانی	جمع	
%۰.۱۰۰	%۸.۱۰	%۰.۲۷	%۹.۳۹	%۰.۱۷	%۳.۵	درصد	مثبت	
۱۱	۰	۵	۶	۰	۰	فراوانی	نگرش کاملاً منفی	
%۰.۱۰۰	%۰.۰	%۵.۴۵	%۵.۵۴	%۰.۰	%۰.۰	درصد	منفی	
۶۵	۳	۴۳	۱۷	۱	۱	فراوانی	نگرش منفی	
%۰.۱۰۰	%۶.۴	%۲.۶۶	%۲.۲۶	%۵.۱	%۵.۱	درصد	منفی	
۱۱۱	۶	۶۶	۳۶	۳	۰	فراوانی	نگرش متوسط	
%۰.۱۰۰	%۴.۵	%۵.۵۹	%۴.۳۲	%۷.۲	%۰.۰	درصد	متوسط	
۶۲	۴	۳۷	۱۸	۳	۰	فراوانی	نگرش مثبت	
%۰.۱۰۰	%۵.۶	%۷.۵۹	%۰.۲۹	%۸.۴	%۰.۰	درصد	مثبت	
۱۵	۱	۱۳	۰	۰	۱	فراوانی	نگرش کاملاً مثبت	
%۰.۱۰۰	%۷.۶	%۷.۸۶	%۰.۰	%۰.۰	%۷.۶	درصد	مثبت	
۲۶۴	۱۴	۱۶۴	۷۷	۷	۲	فراوانی	جمع	
%۰.۱۰۰	%۳.۵	%۱.۶۲	%۲.۲۹	%۷.۲	%۸.۰	درصد	مثبت	

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی و تحلیل سطح آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس وضعیت فرزندان و تفاوت‌های زمینه‌ای-دموگرافیکی پرداخته است. شاخص آسیب‌پذیری خانواده‌ها در سه بعد روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی مورد مذاقه قرار گرفت و وضعیت فرزندان شامل تعداد فرزندان و شیوه فرزندپروری و نیز متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی شامل سن، جنسیت، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات بوده است. برای رسیدن به هدف فوق‌الذکر از روش تحلیل ثانویه با کاربست داده‌های پیمایش ملی خانواده ایرانی در سال ۱۳۹۸ (گردآوری شده توسط جهاد دانشگاهی) استفاده شد.

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد که آسیب‌پذیری روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی افراد از حیث تحصیلات با یکدیگر تفاوت معنادار داشته و سطح همبستگی نیز در حد ضعیفی است. به نحوی که افراد با تحصیلات دیپلم از نظر تمامی ابعاد آسیب‌پذیری، آسیب‌پذیرتر هستند و افرادی با تحصیلات حوزوی نیز کمترین سطح آسیب‌پذیری در تمامی ابعاد مورد بررسی را تجربه می‌کنند. در نتایج مطالعه مترك و لوتز

(۲۰۱۴)، نایگا (۲۰۰۰) و بورچی (۲۰۱۰) نیز بر اهمیت افزایش سطح تحصیلات بر کاهش سطح آسیب‌پذیری تأکید شده است.

اما نکته جالب توجه سطح بسیار پایین آسیب‌پذیری در میان کسانی است که تحصیلات حوزوی دارند. نتیجه‌ای که در مطالعات دیگر داخلی و خارجی، یافته‌ای در باب آن وجود ندارد که بتوانیم با مطالعه حاضر مورد قیاس قرار دهیم. از علل اصلی چنین کاهش می‌توان به اندیشه دینی و مذهبی این افراد اشاره کرد که باعث می‌شود رویدادها و حوادث دنیا به‌طور کلی و زندگی و شرایط (مطلوب و نامطلوب) برخاسته از آن را تحت امر و خواست و اراده خداوندی تعبیر نموده و خود را تسلیم رضای وی نمایند.

از نظر سطح آسیب‌پذیری بر حسب تفاوت‌های سنی نیز نتایج نشان داد که بین آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی و سن پاسخگویان همبستگی معناداری دیده نشد. اما شاخص آسیب‌پذیری کل و بعد روان‌شناختی آن بر حسب گروه‌های سنی تفاوت وجود دارد و همبستگی آن نیز در حد ضعیف است. یعنی بر حسب اینکه افراد در چه دامنه سنی قرار داشته باشند، سطح آسیب‌پذیری روان‌شناختی آنان متفاوت است. افراد حاضر در دامنه سنی ۳۰-۴۹ سال، بیش‌ترین سطح و افراد حاضر در دامنه سنی ۱۵-۲۹ سال کمترین سطح آسیب‌پذیری روان‌شناختی را تجربه می‌کنند.

یافته حاصله، ناهمراستا با نتایج مطالعه والاس و همکارانش در سال ۲۰۱۵ می‌باشد. نویسندگان مزبور در مطالعه خود اذعان کرده‌اند که هم‌زمان با افزایش سن افراد، سطح آسیب‌پذیری اجتماعی نیز سیر صعودی به خود می‌گیرد. اما در مطالعه پیش‌رو، نتایج نشان داد که افرادی که در سنین میان‌سالی قرار دارند، بیش‌ترین سطح آسیب‌پذیری در تمامی ابعاد مورد بررسی را تجربه می‌کنند. هم‌چنین ناهمانندی نتایج مطالعه پیش‌رو با نتایج تحقیقات پژوهشگرانی همچون گل‌س و همکاران (۱۹۹۷)، بولین و کلنو (۱۹۸۸) و تانیدا (۱۹۹۶) نیز قابل توجه است.

همچنین، معناداری آزمون تفاوت و ضریب همبستگی کرامر شاخص آسیب‌پذیری کل و ابعاد آن با جنسیت نشان داد که سطح همبستگی‌شان در حد متوسط رو به پایین

می‌باشد. بیش‌ترین سطح فراوانی از نظر آسیب‌پذیری روان‌شناختی، در بین زنان (۵۶/۸ درصد) و آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در بین مردان (به ترتیب ۸۲/۵ درصد و ۷۸/۶ درصد) قابل مشاهده بوده است. رایدرد و همکاران (۲۰۱۷) نیز آسیب‌پذیری روانی بیشتر زنان نسبت به مردان تأکید کرده‌اند. آنان علل تفاوت در این امر را در افزایش سطح مشارکت زنان در مشاغل بیرون از خانه عنوان کرده و بر این باور بودند که با افزایش سطح مشارکت مردان در مراقبت و نگهداری از کودکان می‌توان تا حدودی این آسیب‌پذیری را کاهش داد.

نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون بادنجانی و همکاران (۱۳۹۱)، رضایی و محمودی (۱۳۹۸)، آنتنزل و پرلین (۱۹۸۷)، گوو و تودور (۱۹۷۳)، لنون (۱۹۸۷) و رأس و میروسکی (۱۹۸۸) نیز با مطالعه پیش‌رو در یک راستاست و با مطالعه خسروی (۱۳۸۰) ناهمراستاست. از سوی دیگر پژوهش رایدرد و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد که سطح آسیب‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و جسمی مردان بیشتر از زنان است که در راستای نتایج تحقیق پیش‌روست. هم‌چنین، کسلر و مک لود (۱۹۸۴)، تونیتس (۱۹۸۷)، ترنر و آیسون (۱۹۸۹) نیز نشان دادند که رخدادهایی همچون ضررهای مالی و اقتصادی مردان را بیشتر از زنان متأثر می‌کند. یافته‌ای که به شکل تلویحی در مطالعه حاضر نیز بر آن تأکید شده است. اما نتایج مطالعه پیش‌رو ناهمانند با یافته مطالعه فاطمی و همکاران (۲۰۱۷) است که در مطالعه خود نشان داده‌اند سطح آسیب‌پذیری افراد بر حسب جنسیت متفاوت بوده و جنس زن سطح آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کند. توافق بر سطح آسیب‌پذیری بیشتر زنان از مردان به اندازه‌ای است که برخی از «زنانه بودن» آسیب‌پذیری سخن می‌رانند. اما باید گفت در این مطالعه با در نظر گرفتن سطوح سه‌گانه، سطح آسیب‌پذیری مردان از اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی بیشتر بوده است. شاید بتوان چنین ادعا کرد که مردان بر اساس نقش نان‌آوری محول شده، بیشتر درگیر تأمین مالی خانواده و مشکلات اقتصادی ناشی از آن می‌شوند. به همین دلیل سطح آسیب‌پذیری اقتصادی آنان بیشتر از زنان است.

سطح آسیب‌پذیری افراد در تمامی ابعاد موردبررسی بر حسب متأهل یا مجرد بودنشان با یکدیگر تفاوت معناداری را به نمایش نگذاشته است. یافته‌ای که با رجوع به آماره‌های آزمون تفاوت و همبستگی کرامر قابل دفاع است. نتیجه‌ای که ناهمانند با مطالعات سیمون (۱۹۹۸)، کسلر و اسکس (۱۹۸۵)، پرلین و جانسون (۱۹۹۷)، هبست-دبی و همکاران (۲۰۲۱) است. چرا که در این دست از مطالعات نشان داده شد که افراد بر حسب اینکه ازدواج کرده (متأهل)، ازدواج نکرده (مجرد) و مطلقه یا بیوه باشند سطح آسیب‌پذیری آنها متفاوت است. اما در خانواده ایرانی چنین یافته‌ای به دست نیامده است. هم‌چنین، آسیب‌پذیری اقتصادی و روان‌شناختی افراد از حیث شیوه تربیت فرزندان تفاوت معنادار داشته و سطح این همبستگی در حد متوسط رو به پایین بوده است. از این منظر، بیش‌ترین فراوانی مربوط به کسانی است که از نظر شیوه تربیتی مستبدانه و غیر مستبدانه در حد وسط قرار دارند و کمترین سطح نیز در بین افرادی با شیوه فرزندپروری کاملاً مستبدانه قابل مشاهده است. اما چنین رابطه‌ای بین شاخص آسیب‌پذیری کل و آسیب‌پذیری اجتماعی- فرهنگی وجود نداشت.

در نهایت، آماره‌های موردبررسی در باب تعداد فرزندان و متغیر وابسته نیز نشان دادند که از میان تمامی ابعاد شاخص آسیب‌پذیری، تنها بعد آسیب‌پذیری اقتصادی همبستگی معناداری را نشان داده که در حد بسیار ضعیفی بوده است. بر اساس یافته‌ها، بیش‌ترین فراوانی از نظر آسیب‌پذیری اقتصادی، مربوط به کسانی است که صاحب تا دو فرزند بوده‌اند (۳۵۲ نفر معادل ۴۴/۱ درصد) و کمترین سطح آسیب‌پذیری اقتصادی نیز در بین افرادی با ۵ فرزند و بیشتر (۱۰۹ نفر معادل ۱۳/۶ درصد) بوده است.

چنین نتیجه‌ای ناهمراستا و ناهمانند با مطالعات پژوهشگرانی مانند (رادکلیف و همکاران (۲۰۱۲)، رایدرو و ولفسباور (۲۰۱۱) و مینارسکا و همکاران (۲۰۱۵) است که نشان دادند تعداد زیاد فرزندان، خطر آسیب‌پذیری اقتصادی را بالاتر می‌برد. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه معنادار بین نگرش به طلاق و آسیب‌پذیری کل و ابعاد آن اثبات شد و کمترین سطح آن نیز در بین کسانی دیده شد که نگرش کاملاً منفی نسبت به طلاق داشته‌اند.

با توجه به نکات فوق‌الذکر و یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان اذعان نمود که خانواده‌های ایرانی از نظر میزان آسیب‌پذیری در وضعیت مناسبی قرار ندارند. به نحوی که داده‌های تحقیق این واقعیت را در بطن جامعه ایرانی به‌طور کلی و خانواده‌های آن به‌طور خاص به نمایش می‌گذارد که میزان آسیب‌پذیری در نظام خانواده در حد متوسط رو به بالاست. در این میان، مقتضیات و شرایط فرهنگی و اجتماعی بر آسیب‌پذیرتر بودن برخی از قشرهای اجتماعی - همچون افرادی که در سنین میانسالی قرار دارند یا دارای تحصیلات پایین‌تری هستند - تأثیر می‌گذارند و اقشار مذکور احتمال بیشتری دارد که آسیب‌پذیری در ابعاد سه‌گانه مورد بررسی را تجربه نمایند.

بنابراین با توجه به حضور جمعیت ایرانی در پنجره جمعیتی و تعداد زیاد نیروهای جوان و میان‌سال در آن و نیز محروم شدن برخی از افراد از ادامه تحصیلات به دلایل مختلف می‌توان چنین فرایندی را در مسیرهای دشوارتر پیش‌بینی نمود. بدین ترتیب، با توجه به یافته‌های تحقیق پیش‌رو، سنین میانسال، زنان از نظر روحی - روانی و مردان از نظر اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و افرادی با تحصیلات پایین و خانواده‌هایی با تعداد فرزندان کمتر از دو نفر، افرادی با نگرشی میانه (نه کاملاً منفی و نه کاملاً مثبت) نسبت به طلاق، می‌بایست در اولویت برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌ها قرار بگیرند تا فرایند بازسازی و بازتوانی خانواده‌های آسیب‌پذیر به شکلی جامع و کامل مسیرش را بییماید.

در همین راستا ضروری است که ۱. به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت خانواده‌ها با کاهش سطح بیکاری و دارا بودن مشاغل ایمن و ثابت توجه شود تا از فشارهای مالی وارده بر آنها کاست؛ ۲. افزایش سازوکارهای متناسب جهت ادامه تحصیل و عدم ترک تحصیل نسل‌های آینده جهت بالا رفتن سطح سواد و آگاهی؛ ۳. تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های اعضای جامعه نسبت به طلاق و از میان برداشتن قبح اجتماعی آن در شرایط سخت زندگی از یکسو و نیز نگرش مثبت نگرانه برخی از اعضای جامعه نسبت به عدم پایداری و استحکام خانواده از سوی دیگر و ۴. افزایش مراکز مشاوره با هزینه‌های پایین برای زنان جامعه جهت دریافت مشاوره‌های رایگان یا کم‌هزینه برای کاهش آسیب‌های روان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد.

بررسی آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرها...، اسدپور و موسوی | ۴۲۳

همچنین، با توجه به نامطلوب و ناخواستگی آسیب‌پذیری و نیز چند لایگی، چندبعدی و درهم تنیدگی و هم‌افزایی آن انجام مطالعات فرارشته‌ای یا بین‌رشته‌ای جهت فهم آسیب‌پذیری خانواده‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که خرد جمعی و رسیدن به یک اجماعی با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌ها کلید اساسی است. امری که می‌تواند از انباشت آن یا به عبارت دقیق‌تر روبرویی و مواجهه هم‌زمان مسائل و آسیب‌ها از یکسو و بازتولید آن از سوی دیگر جلوگیری به عمل آورد.

تعارض منافع

در مقاله پیش‌رو به‌طور کامل از اخلاق نشر رعایت شده و از سرقت علمی/ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز شده است. در این راستا منافع تجاری وجود ندارد. همچنین، مقاله حاضر پیش از این، در جای دیگری منتشر نشده، هم‌زمان به نشریه دیگری ارائه نگردیده و کلیه حقوق استفاده از محتوا، جداول، تصاویر و ... به ناشر محول می‌گردد.

سپاسگزاری

از عزیزانی که در این پژوهش همراهی و همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

ORCID

Ahdieh Asadpour



<http://orcid.org/>

Mehri Sadat Mousavi



<http://orcid.org/0000-0003-1069-6091>

منابع

- افراسیابی، حسین و جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین‌شهر)»، زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۴: ۴۳۱-۴۵۰.
- حسینی بادنجان‌ی سید مهدی و بیرامی منصور، هاشمی نصرت‌آباد تورج. (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانواده در برابر استرس بر اساس میزان حمایت اجتماعی، راهبردهای مقابله‌ای و منبع کنترل»، مجله مطالعات روان‌شناختی، دوره ۸، شماره ۱: ۱۱۷-۱۴۰.
- ستاره فروزان، آمنه و بیگلریان، اکبر. (۱۳۸۲)، «زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱، شماره ۵: ۳۵-۵۸.
- فرهادیان، فرزانه. (۱۴۰۱)، «تأثیر سازمان‌های دولتی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر»، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۹: ۲۵۶-۲۷۸.
- معیدفر، سعید و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۶)، «زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۳۲: ۱۳۱-۱۵۸.
- Aneshensel, Carol S. and Leonard I. Pearlin. (1987). *Structural Contexts of Sex Differences in Stress*. Pp. 75-95 in *Gender and Stress*, edited by Rosalind C. Barnett, Lois Biener, and Grace K. Baruch. New York: Free Press.
- Bogardus ST, Towle V, Williams CS et al. (2001). "What does the medical record reveal about functional status? A comparison of medical record and interview data." *J Gen Intern Med* 2001; 16:728-736.
- Bolin, R., and Klenow, D. (1983). "Response of the elderly to disaster: An age stratified analysis". *Int. J. Aging and Human Devel.*, 16(4), 283-296.
- Bolin, R., and Klenow, D. (1988). "Older people in disasters: A comparison of black and white." *Int. J. Aging and Human Devel.*, 26(1), 29-43.
- Bouwkamp, R., & Bouwkamp, S. (2014). *Blizu doma. Priročnik za delo z družinami* [Close to home. Manual for working with families]. Ljubljana: Znanstvena založba Filozofske fakultete, Pedagoška fakulteta, Inštitut za družinsko terapijo
- Burchi, F. (2010). "Child nutrition in Mozambique in 2003: the role of mother's schooling and nutrition knowledge." *Economics and Human Biology* 8(3):331-345. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ehb.2010.05.010>
- Bushra, Aliya, and Wajiha, Nasra. (2015). "Assessing the Socio-Economic Determinants of Women." *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 7:3-8.

- Covinsky KE, Palmer RM, Counsell SR et al. (2000). "Retrospective reports of functional status in hospitalized elders: Evidence of validity." *J Am Geriatr Soc* 2000; 48:164-169
- Covinsky, K. E., Palmer, R. M., Fortinsky, R. H., Counsell, S. R., Stewart, A. L., Kresevic, D., ... Landefeld, C. S. (2003). "Loss of Independence in Activities of Daily Living in Older Adults Hospitalized with Medical Illnesses: Increased Vulnerability with Age." *Journal of the American Geriatrics Society*, 51(4), 451-458. doi:10.1046/j.1532-5415.2003.51152.x
- De Anca, Celia, and Gabaldon, Patricia. (2013). "Female Directors and the Media: Stereotypes of Board Members. " *Gender in Management: An International Journal*, 6: 334-351.
- Dudwick, N., Kuehnast, K., Nyhan Jones, V. and Woolcock, M. (2006). *Analyzing social capital in context: A guide to using qualitative methods*. World Bank Institute: Washington, D.C.
- Egger, M., Smith, G. D. and Altman, D. G. (2001). *Systematic reviews in health care meta-analysis in context*, BMJ publishing group.
- Fatemi, F., Ardalan, A., Aguirre, B., Mansouri, N., & Mohammadfam, I. (2017). "Social vulnerability indicators in disasters: Findings from a systematic review." *International journal of disaster risk reduction*, 22, 219-227.
- Fireston, J., Harris, R. and Vega, W. (2020). "The impact of gender role ideology, male expectancies, and acculturation on wife abuseA. " *Journal of Law and Psychiatry*, 26.
- Glass, R., Urrutia, J., Sibony, S., Smith, H., Garcia, B., and Rizzo, L. (1977). "Earthquake injuries related to housing in a Guatemalan village." *Science*, Aug. 12, 638-643.
- Glewwe, P. (1999). "Why does mother's schooling raise child health in developing countries? Evidence from Morocco", *Journal of Human Resources* 34(1):124-159. <http://dx.doi.org/10.2307/146305>
- Gove, Walter R. and Jeanette F. Tudor. (1973), "Adult Sex Roles and Mental Illness", *American Journal of Sociology* 78:50-73.
- Herbst-Debby, Anat ; Endeweld, Miri ;Kaplan, Amit (2021), "Differentiated routes to vulnerability: Marital status, children, gender and poverty", *Advances in Life Course Research*, DOI: 10.1016/j.alcr.2021.100418.
- Kessler, Ronald C. and Jane D. McLeod. (1984), "Sex Differences in Vulnerability to Network Events", *American Sociological Review* 49: 620-31.
- Kessler, Ronald C. and Marilyn Essex. (1985), "Marital Status and Depression: The Importance of Coping Resources." *Social Forces* 61: 484-507.
- Kyem, P. A. K. (2004). "Power, Participation and inflexible institutions: an examination of the challenge to community empowerment in participatory GIS. " *Applications cartographical*, 38 (384): 5-17.
- Lennon, Mary Clare. (1987), "Sex Differences in Distress: The Impact of Gender and Work Roles", *Journal of Health and Social Behavior* 28:290-305.

- Li, Chen; Wang, Mark; Songb, Yanan (2018), “Vulnerability and livelihood restoration of landless households after land acquisition: Evidence from peri-urban China”, *Habitat International*, Volume 79, PP: 109-115.
- Mair, C., Shepperd, M. (2011). *meta- analysis issues, international conference on software metrics and estimating*, UK.
- Malik, Samina, and Courtney, Kathy. (2011). "Higher Education and Women's Empowerment in Pakistan. " *Gender and Education*, 1: 29-45.
- Moy, Patricia and Scheufele, Dietram A. (2000). "Media Effects on Public Social Trust. " *Journalism and Mass Communication Quarterly*, 77: 744- 759.
- Muttarak, Raya. and Lutz, Wolfgang (2014), “Is Education a Key to Reducing Vulnerability to Natural Disasters and hence Unavoidable Climate Change?” *Ecology and Society* Vol. 19, No. 1
- Mynarska, M., Riederer, B, Jaschinski, I, Krivanek, D, Neyer, Ge& Oláh, L. (2015). “Vulnerability of families with children: Major risks, future challenges and policy recommendations”, *Families and Societies working paper series* (49).
- Nayga, R. M. (2000). “Schooling, health knowledge and obesity”. *Applied Economics* 32(7):815–822. <http://dx.doi.org/10.1080/000368400322156>
- Ngo, E. B. (2001), “When Disasters and Age Collide: Reviewing Vulnerability of the Elderly”. *Natural Hazards Review*, 2(2), 80–89. doi:10.1061/(asce)1527-6988(2001)2:2(80)
- Okere, Samuel, and Okere, Justina Sam (2013). "Print Media Framing of Women in Entrepreneurship: Prospects for Women Empowerment. " *Journal Of Humanities And Social Science*, 6: 31-38.
- Patterson, M. (2013). “Vulnerability: A short review (ICR Working Paper No. 3)”. Retrieved from Vancouver Island University website: www.viu.ca/icr/files/2012/06/Vulnerability-Literature-review-SSHRCpartnership-grant.pdf
- Pearlin, Leonard I. and Joyce S. Johnson. (1977), “Marital Status, Life Strains, and Depression." *American Sociological Review* 42:704-15.
- Putnam, R. D., Leonardi, Robert, and Nanetti, Raffaella Y. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press.
- Radcliff, E., Racine, E., Brunner Huber L., & Whitaker B.E. (2012). “Association between family composition and the well-being of vulnerable children in Nairobi, Kenya”. *Maternal and Child Health Journal*, 16(6), 1232-1240.
- Reyes, A. M. (2016). “Households, families, and economic vulnerability: The formation, structure, and financial organization of multifamily households”, 2008-2013.
- Riederer, B., Philipov, D., Rengs, B. (2017). “Vulnerability of families with children: experts’ opinions about the future and what families think about it”, *Families and Societies working paper series* (65).
- Roelen, K., Long, S., & Edström, J. (2012). “Pathways to protection – referral mechanisms and case management for vulnerable children in Eastern and Southern Africa: Lessons learned and ways forward. Brighton: Centre for Social Protection & Institute of Development Studies. Retrieved from IDS

website:

http://www.ids.ac.uk/files/dmfile/pathwaystoprotection_finalreport_jun12.pdf

- Ross, Catherine E. and John Mirowsky. (1988), "Child Care and Adjustment to Wives' Employment", *Journal of Health and Social Behavior* 29:127-38.
- Sajjad, H., & Jain, P. (2014). "Assessment of socio-economic vulnerabilities among urban migrants in South-East Delhi, India". *Journal of Studies in Social Sciences*, 7(1).
- Sen, Amartya. (1999). *Development as Freedom*. New York: Knopf.
- Shabir, Ghulam, Yousef Hameed, Yousef Mahmood, and et. Al. (2014). "The Impact of Social Media on Youth: A Case Study of Bahawalpur City. " *Asian Journal of Social Sciences and Humanities*, 4: 123-151.
- Sharma, Preeti, and Kanta Varma, Shashi. (2020). "Women Empowerment through Entrepreneurial Activities of Self-Help Groups. " *Indian Res. J. Ext. Edu.* 8 (1).
- Simon, R. W. (1998). "Assessing Sex Differences in Vulnerability among Employed Parents: The Importance of Marital Status". *Journal of Health and Social Behavior*, 39(1), 38. doi:10.2307/2676388
- Smith, K, (2000), *Environmental Hazards: Assessing Risk and Reducing Disaster*, 3rd Ed, Routledge, New York.
- Tanida, N. (1996). "What happened to elderly people in the great Hanshin earthquake." *Behavioral Medical J.*, 2; 313, 1133-1135.
- Thoits, Peggy A. (1987), "Gender and Marital Status Differences in Control and Distress: Common Stress Versus Unique Stress Explanations." *Journal of Health and Social Behavior* 28:7-22.
- Turner, R. Jay and William R. Avison. (1989), "Gender and Depression: Assessing Exposure and Vulnerability to Life Events in a Chronically Strained Population", *Journal of Nervous Mental Disorders* 177:443-55.
- Wallace, L. M., Theou, O., Pena, F., Rockwood, K., & Andrew, M. K. (2015). "Social vulnerability as a predictor of mortality and disability: cross-country differences in the survey of health, aging, and retirement in Europe (SHARE)". *Aging Clinical and Experimental Research*, 27(3), 365-372.
- Zimmermann, A. (2017). *Social vulnerability as an analytical perspective*. Population Europe Discussion Paper, (4).

استناد به این مقاله: اسدپور، عهدیه و موسوی، مهری سادات. (۱۴۰۳). بررسی آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی بر اساس متغیرهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۵۹)، ۳۹۷-۴۲۷.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.